



عنوان: زنان در روزگارشان: تاريخ فمينيستم در غرب

نویسنده: مارلين ليگيت

مترجم: نيلوفر مهديان

ویراستار: نيشو نجم عراقي

عنوان اصلی: In their time : a history of feminism in Western society, 2001

سال انتشار: چاپ اول ۱۳۸۹ (چاپ دوم: ۱۳۹۱)

ناشر: نشرنی

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۶۳ صفحه

فهرست مطالب:

کتاب در ۱۰ فصل با عناوین زیر فراهم شده است.

- فن‌بینیم و مردسالاری: مقدمه
- از عیسی مسیح تا ژاندارک
- تأثیررئیس: زنان، تحصیل، و هنرهای خلاق
- دین، سیاست، و ادبیات در دوران آغازین اروپای مدرن
- انقلاب در فلسفه و سیاست
- رادیکال‌ها و اصلاح‌گران
- آغاز موج اول فن‌بینیم
- مسائل موج اول فن‌بینیم
- دوران جنگ و فن‌بینیم بین دو جنگ جهانی
- ریشه‌های موج دوم

مارلین لگیت مورخ تاریخ دوران ابتدایی عصر مدرن اروپا است و در این کتاب روایتی غنی از چالش‌های پیش روی برابری جنسیتی در ۲۰ قرن گذشته ارائه می‌دهد. کتاب او روایت کسانی هم هست که این چالش‌ها را به چالش کشیده‌اند. در روایت او از تاریخ این چالش‌ها و مبارزان حقوق زنان طیف وسیعی از موضوعات از تلاش برای به دست آوردن فرصت شغلی و آموزشی، حقوق قانون، اصلاح حیات خانوادگی و استانداردهای جنسیتی، مورد بررسی قرار می‌گیرند. نکته مهم در کار لگیت آن است که نشان می‌دهد چگونه فمینیسم در بستری تاریخی شکل گرفته است. تئوری تبیین‌گر او در این روایت، ساختار فرصت‌های سیاسی و رویکردهای نونهادگرایی است. لگیت میان کنش‌های شورشگرانه و فردی زنان و کنش‌های آگاهانه جمعی به نفع حقوق زنان تمایز قایل می‌شود. بر مبنای این تمایز، او تاریخ فمینیسم را سه سطح تقسیم می‌کند. در سطح اول، زنان علیه هنجارهای جنسیتی به شکل فردی می‌شورند. این شکل از رفتار فردی را می‌توان در دوره‌های اولیه مسیحیت و قرون وسطا مشاهده کرد. در وهله دوم، این تصور به وجود می‌آید که نهادهای اجتماعی نه اموری الهی که ساخته انسان هستند و همین تصور به پیدایش آگاهی فمینیستی کمک می‌کند. این اتفاق ویژگی اصلی دوران رنسانس است. سطح سوم، پیدایش، جنبش‌های فمینیستی در قرن هجدهم است.

لگیت میان کنش‌های شورشگرانه و فردی زنان و کنش‌های آگاهانه جمعی به نفع حقوق زنان تمایز قایل می‌شود. بر مبنای این تمایز، او تاریخ فمینیسم را سه سطح تقسیم می‌کند.

در همه این سه سطح یا دوره، لگیت توضیح می‌دهد که چگونه عناصر اجتماعی مانند طبقه، نژاد، و قومیت تغییرات حیات زنان را شکل می‌دهند و انگیزه شورش علیه نرم‌های جنسیتی را فراهم می‌کنند. قرون وسطی، هم عناصری از محدودیت را در خود داشت و هم مواردی از فرصت را در اختیار زنان قرار می‌داد. در این دوران، فرهنگ زنان نه تنها فمینیستی نبود بلکه انقیاد زنان را هم تحکیم می‌کرد.

دوران دوم هم برای زنان حالتی دوگانه داشت. از سویی، زنان درباره موضوعاتی مانند جنسیت بحثی را باز نکردند و حتی ملکه‌های قدرتمند این دوران هم افرادی ضد زن بودند. یا دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی از دسترس زنان خارج شد و زنان معدودی آن هم با پشتیبانی مردان توانستند از

این مزیت بهره‌برداری کنند. با این حال، آن‌طور که لگیت نشان می‌دهد، در این دوران با اولین تبیین‌ها از نقش زنان روبه‌رو هستیم و این تبیین‌ها چنان مهم هستند که لگیت آن‌ها را صور ابتدایی فمینیسم می‌خواند. به روایت لگیت، تنها در دوره سوم است که شکل‌گیری دولت - ملت‌ها و دموکراسی‌ها، به وجود آمدن فمینیسم به عنوان یک جنبش اجتماعی را فراهم می‌آورد. در حالی که زنان را از حوزه عمومی در حال شکل‌گیری در دوره روشنگری عقب می‌رانند و از مشارکت سیاسی در تحولات باز می‌داشتند، آنان مشارکت جدی در ایجاد سالن‌ها و همین‌طور انقلابات فرانسه و آمریکا داشتند. فمینیسم یکی از منابع الهام برای بسیاری از اصلاح‌طلبان و رادیکال‌ها بود و زنان در تعداد زیادی جنبش‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی فعال بودند. لگیت نشان می‌دهد که چگونه فمینیسم و دیگر عوامل - مانند مبارزه علیه برده‌داری و مبارزه برای داشتن اتحادیه - منازعات و ائتلاف‌های زیادی را شکل داده است. از یک سو، زنان سفید پوست طبقه متوسط از نیازها و منافع زنان دیگر طبقات، نژادها و قومیت‌ها چشم‌پوی کردند. از سوی دیگر، خواست زنان کمتر به دیگر جنبش‌ها و خواسته‌ها مربوط دیده شده است. لگیت، فرهنگ‌های مختلفی را مورد بررسی تطبیقی قرار داده و ریشه‌های موج اول و دوم فمینیسم را ردیابی کرده است. تأکید لگیت در این ریشه‌یابی آن است که در شکل‌گیری فمینیسم، عرصه سیاسی مهم بوده است.

لگیت روایت خود از تاریخ فمینیسم در جوامع غربی (به‌اضافه مکزیک و روسیه) را تا آنجا پیش می‌برد که موج دوم فمینیسم آغاز می‌شود و حقوق زنان نهادینه می‌شود. احتمالاً بسیار جالب است که بفهمیم او در کتاب بعدی‌اش چگونه به جنبش‌های کنونی فمینیسم و دستاوردهای آنان در جهت ادغام در جامعه می‌پردازد. روایت لگیت به خصوص برای آن‌هایی خواندنی‌تر است که با تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اروپا و آمریکا آشنا هستند. کسانی که تا این حد با این تواریخ آشنا نیستند، باید از کتاب‌های دیگر استفاده کنند. روایت لگیت زندگی و تلاش زنان مؤثر در جنبش‌های فمینیستی را در زمینه تاریخی‌اش قرار داده و از منابع درجه اول استفاده کرده است. در انتهای کتاب می‌توان جدولی از سیر حوادث تاریخی و همین‌طور کتاب‌شناسی کاملی از منابع تکمیلی را مطالعه کرد.